

مشخص‌بودگی در کردی کرمانشاهی

شجاع تفکری رضایی^۱، یاسمن چوب‌ساز^{۲*}

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

دریافت: ۹۱/۹/۶

پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۲

چکیده

اصطلاح مشخص‌بودگی معمولاً برای اشاره به گروه‌های اسمی به کار می‌رود. در این مقاله بر پایه‌ی تعریف انک (1991) و کریمی (2003, 1999) از مشخص‌بودگی، تکواژ «ægæ» را در انتهای برخی اسم‌های موجود در جایگاه‌های مختلف نحوی به‌عنوان علامت ساختواژی مشخص‌بودگی در کردی کرمانشاهی بررسی کرده‌ایم و با استفاده از شواهد و داده‌هایی مانند حضور اجباری تکواژ مذکور، نه‌تنها در برخی از گروه‌های اسمی معرفه، بلکه در بعضی از گروه‌های اسمی نکره نشان داده‌ایم که برخلاف نظر ادموندز (1955)، مکنزی (1961)، یارمرادی (۱۳۸۴) و بهادر (۱۳۹۰) این تکواژ در کردی کرمانشاهی نشانگر مشخص‌بودگی است، نه معرفگی. در پایان، کردی کرمانشاهی را در تقسیم‌بندی لاینز از زبان‌ها (1999)، از نظر داشتن علامت‌های معرفگی و نکرگی، جزو زبان‌هایی قرار دادیم که تنها نشانه‌ی نکره دارند. با توجه به اینکه در دستور زایشی یکی از اصول بنیادین این است که آن بخش از دانش زبانی که در ذهن سخنگویان یک زبان قرار دارد یکسان است، داده‌ها از سخنان نگارندگان به‌عنوان سخنگویان بومی این زبان جمع‌آوری و با استفاده از روش استدلالی بررسی شده‌اند. چارچوب نظری استفاده‌شده در این تحقیق، نظریات انک (1991) و کریمی (1999) در خصوص مشخص‌بودگی است.

واژگان کلیدی: مشخص‌بودگی، کردی کرمانشاهی، معرفگی، نکرگی، دستور زایشی.

۱. مقدمه

در مباحث نحوی، مشخص‌بودگی^۱، معرفگی^۲ و نکرگی^۳ اصطلاحاتی هستند که برای اشاره به گروه اسمی به‌کار می‌روند. برخی گروه اسمی مشخص را اسمی می‌دانند که

مصدق آن به هنگام صحبت در ذهن گوینده است (Endriss, 2009: 57-86). گروهی دیگر مشخص‌بودن را حاصل تعاملات حوزه‌ای^۱ می‌دانند و گروه اسمی مشخص را آن گروه اسمی تلقی می‌کنند که حوزه وسیعی را در بر می‌گیرد (Ibid: 57; صفوی، ۱۳۸۷: ۳۳۰). انک^۲ (1991) درک کاملاً متفاوتی نسبت به سایر دیدگاه‌ها در رابطه با این مفهوم دارد. او معتقد است «آشنایی^۳» نقش اساسی را در مفهوم مشخص‌بودن ایفا می‌کند. کریمی نیز با دیدگاهی کم و بیش متفاوت گروه‌های اسمی مشخص را، گروه‌های اسمی انتخاب‌شده از بین مجموعه‌ای از عناصر در نظر می‌گیرد (Karimi, 1999: 125-141; 2003: 91-125).

آنچه در این مقاله به‌عنوان پرسش اصلی تحقیق بررسی می‌شود، نمود ساختواژی مشخص‌بودگی و به‌طور خاص وضعیت تکواژ «ægæ» در کردی کرمانشاهی است که در چارچوب مباحث نظری مطرح‌شده به‌وسیله انک و کریمی ارائه می‌شود. روش انجام این پژوهش، استدلالی^۴ است و منبع داده‌ها، خود نگارندگانند که به‌عنوان سخنگویان بومی این زبان و افراد دیگر در دسترس هستند و ملاک تعیین خوش‌ساختی و بدساختی داده‌ها نیز قضاوت همین افراد است.

۲. پیشینه موضوع

درباره مشخص‌بودگی در زبان‌های ایرانی تحقیقات بسیار اندکی صورت گرفته است. بخش عمده این تحقیقات درباره زبان فارسی به‌وسیله کریمی (2003 & 1999, 1998) انجام شده است. او معتقد است تکواژ «را» علامت مشخص‌بودگی است که بعد از گروه اسمی می‌آید و علامت مفعول مستقیم نیست (Karimi, 1989: 70).

لاینز (1999) نیز درباره مشخص‌بودگی در زبان فارسی به‌اختصار بحث کرده است. از نظر او نشانه‌های «یک» و «ی» در زبان فارسی گروه‌های اسمی نکره نامشخص می‌سازند. منظور از نکره نامشخص، آن گروه اسمی است که مصداق مشخصی برای گوینده و شنونده ندارد؛ به‌عنوان نمونه، مصداق گروه اسمی «دوست بهتر» در جمله زیر نه برای گوینده مشخص است، نه برای شنونده:

۱. دوست بهتری انتخاب می‌کنم.

البته راسخ‌مهند (۱۳۸۸) با ارائه داده‌هایی مثل جمله زیر این نظر لاینز را رد کرده و

معتقد است که این نشانه‌ها در زبان فارسی می‌توانند بر نکره نامشخص هم دلالت کنند:

۲. یک پسری شیشه مغازه‌ام را شکست و در رفت (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۸۹).

در جمله بالا مصداق گروه اسمی برای گوینده مشخص و برای شنونده، نامشخص است، بنابراین از دیدگاه راسخ‌مهند «یک» و «ی» مشخص یا نامشخص بودن اسم را تعیین نمی‌کنند. عباسی (۱۳۷۹) معتقد است در تعیین معرفه یا نکره بودن یک گروه اسمی، آنچه اهمیت دارد، میزان اطلاعات مشترک گوینده و شنونده درباره مصداق گروه اسمی است؛ به این معنا که اگر طرفین گفت‌وگو قادر به شناسایی مصداق گروه اسمی باشند، آن گروه اسمی معرفه است و چنانچه مصداق گروه اسمی برای هر دو طرف نامشخص باشد، گروه اسمی مذکور نکره نامشخص است. از نظر او معرفگی، نکرگی و مشخص‌بودگی در زبان فارسی، پدیده‌های دوقطبی نیستند، بلکه روی یک پیوستار قرار دارند. منظور از پیوستار موارد بینابینی است که در این میان وجود دارند. از نظر او در میان اسامی معرفه و نکره گروه‌های اسمی وجود دارند که فقط تا حدی برای گوینده یا شنونده مشخص هستند، به طوری که حتی گوینده یا شنونده نیز قادر به شناسایی مصداق نیست و همچنین برخی گروه‌های اسمی وجود دارند که یا تنها برای گوینده و یا فقط برای شنونده مشخص هستند، به طوری که تنها یکی از طرفین قادر به تشخیص مصداق است:

۳) می‌توانم شنبه از ماشین استفاده کنم؟

۴) دیروز با پس‌اندازم یک ماشین خریدم (عباسی، ۱۳۷۹: ۴۵۳).

گوینده و شنونده می‌دانند که مصداق گروه اسمی «ماشین» در جمله ۳، هر ماشینی نیست، بلکه به ماشین خانواده اشاره دارد. بنابراین گروه اسمی «ماشین» در جمله ۳، معرفه و مشخص است، اما در جمله ۴، مصداق گروه اسمی تنها برای گوینده آشنا است. میزان مشخص‌بودگی گروه اسمی در جمله ۳ و ۴ به یک اندازه نیست و بهتر است در جمله ۴ عنوان «مشخص بودن» را به عنوان «نکره» بیفزاییم.

درباره مشخص‌بودگی در کردی کرمانشاهی هیچ تحقیقی به‌طور خاص انجام نگرفته است. در این باره، ادmondز نشانه معرفگی را در زبان کردی کلهری (زبانی که کردی کرمانشاهی از آن منشعب شده) تکواژ «-eke» می‌داند (Edmonds, 1955: 497). مکنزی^۱ (1961:150) نیز در بررسی وسیعی که از برخی گویش‌های زبان کردی به‌عمل آورده، تکواژ «-ægæ» را در این

گویش‌ها علامت ساختواژی معرفگی تلقی می‌کند (MacKenzie, 1961: 150). بهادر (۱۳۹۰) به معرفگی و نکرگی و علامت‌های آن در کردی قصرشیرینی اشارهٔ مختصری کرده است. او نشانهٔ معرفه را در کردی قصرشیرینی «-aga» و نشانهٔ نکره را «-iga» می‌داند:

5. a) kor-aga
boy- DEF

«پسر»

b) kor-iga
boy- INDF

«پسری»

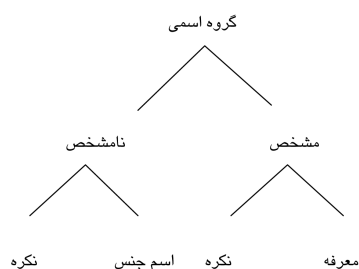
(بهادر، ۱۳۹۰: ۶۸).

علاوه بر ادموندز و بهادر، یازمرادی (۱۳۸۴) نیز به نشانه‌های معرفگی و نکرگی در کردی کلهری اشارهٔ مختصری کرده است. وی نشانهٔ معرفگی را در کردی کلهری «-ægæ» و نشانهٔ نکرگی را «[jɛj]» به معنی یک و «[ɛ]» می‌داند.

۳. مبنای نظری

همان‌طور که در مقدمه گفتیم انک (1991) مشخص‌بودگی را به مفهوم آشنایی نسبت می‌دهد؛ به این معنی که گروه اسمی مشخص باید برای شنونده از جهات خاصی آشنا باشد. وی معرفگی و مشخص‌بودگی گروه اسمی را دو پدیدهٔ کاملاً مرتبط به هم می‌داند و معتقد است که مصداق گروه‌های اسمی معرفه و مشخص باید به مصداق کلامی که قبلاً در بافت ذکر شده است، مربوط باشد. از نظر او تفاوت بین معرفگی و مشخص‌بودگی در نوع ارتباط مرجع^۱ با گروه اسمی است؛ به این صورت که در گروه اسمی معرفه رابطهٔ مرجع با گروه اسمی، قوی و از نوع شباهت است، در حالی که رابطهٔ گروه اسمی مشخص با مرجعش رابطه‌ای ضعیف و از نوع شمول معنایی است. از این رو، او مرجع یک گروه اسمی معرفه را مرجع قوی^۱ و مرجع گروه اسمی مشخص را مرجع ضعیف^۱ می‌نامد. بنابراین نظر انک، همهٔ معرفه‌ها لزوماً مشخص هستند، زیرا هویت «مصداق» به خودی خود مفهوم شمول را دربردارد. طبق نظر انک گروه‌های اسمی نکره در صورتی مشخص هستند که رابطهٔ بخشی^{۱۲} یا شمول با سخنی داشته باشند که قبلاً در بافت ذکر شده است و چنانچه

گروه‌های اسمی مذکور اصلاً مرجعی در بافت نداشته باشند، نامشخص خواهند بود. به‌طور کلی گروه‌های اسمی مشخص، چه معرفه و چه نکره، از نظر انک یک ویژگی مشترک دارند و آن این است که به مصداقی که در بافت ذکرشده باز می‌گردند و تنها نوع این ارتباط است که معرفه مشخص را از نکره مشخص جدا می‌کند. انک اسم‌های خاص، ضمایر و گروه‌های اسمی را که همراه با صفت اشاره یا حرف تعریف معرفه به‌کار می‌روند، معرفه‌های مشخص و کمیت‌نماها (every و all) و گروه‌های اسمی حاوی بخشی‌ها (some و piece در زبان انگلیسی) را اسم‌های نکره مشخص تلقی می‌کند. کریمی (2003, 1999) مشخص‌بودگی یک گروه اسمی را انتخاب یک یا چند عنصر خاص^{۱۳} در مواقعی که گروه اسمی جمع است، در میان مجموعه‌ای از آن عناصر تلقی کرده و تقسیم‌بندی زیر را در این زمینه از گروه‌های اسمی ارائه می‌دهد:



شکل ۱

طبق نظر کریمی در گروه‌های اسمی معرفه، گوینده شخص یا مفهوم خاصی را در ذهن دارد و فرض بر این است که آن شخص یا مفهوم برای شنونده نیز آشنا است (Karimi, 1989: 60-61). براساس آنچه کریمی درباره مشخص‌بودگی، معرفگی و نکرگی ذکر کرده، می‌توان استنباط کرد که هر گروه اسمی معرفه، مشخص است، اما در گروه‌های اسمی نکره، دو حالت وجود دارد؛ حالت اول این است که گوینده، شخص یا مفهوم مشخصی را در ذهن ندارد که در این صورت گروه اسمی، نامشخص است و حالت دوم زمانی است که گوینده، شخص یا مفهوم

خاصی را در ذهن دارد، اما شنونده با آن شخص یا مفهوم آشنا نیست که در این حالت، گروه اسمی مشخص خواهد بود. به نظر کریمی، ویژگی مشترک گروه‌های اسمی مشخص معرفه و نکره این است که مصداق مشخصی دارند. این مصداق ممکن است برای گوینده و شنونده (در گروه‌های اسمی معرفه) یا حداقل برای گوینده (در گروه‌های اسمی نکره) مشخص باشد؛ این درحالی است که گروه‌های اسمی نامشخص برای گوینده مرجع مشخصی ندارند.

۴. روش تحقیق

روشی که در این تحقیق استفاده شده، استدلالی است. در این روش مجموعه‌ای از ادعاها به کمک شواهدی به‌منظور قبولاندن امری به مخاطب بنا می‌شوند (درزی، ۱۳۸۹: ۳۰). به شواهد مورد استناد در یک استدلال «مقدمه استدلال» و به دیدگاه یا فرضیه مورد دفاع «نتیجه» می‌گویند. مقدمات استدلال دلایل حمایت‌کننده از آن استدلال به‌شمار می‌روند که به‌عنوان شاهد پذیرفته می‌شوند تا نتیجه‌گیری موردنظر را حمایت کنند (همان). به این ترتیب به گفته گوویر^۴ (۲۰۰۹) و به نقل از پرس^۵ (۱۹۵۵) موضوع استدلال استفاده از دانش کنونی خود برای یافتن امری مجهول است.

با توجه به اینکه در دستور زایشی یکی از اصول بنیادین این است که آن بخش از دانش زبانی که در ذهن سخنگویان یک زبان قرار دارد، یکسان است، داده‌ها از سخنان نگارندگان به‌عنوان سخنگویان بومی این زبان و دیگر افراد در دسترس، جمع‌آوری شده‌اند و ملاک تعیین خوش‌ساختی یا بدساختی داده‌ها نیز قضاوت همین افراد بوده است.

۵. معرفگی، نکرگی و مشخص‌بودگی در کردی کرمانشاهی

همه زبان‌ها نشانه معرفه و نکره ندارند، اما ضمائر یا صفت اشاره و ضمائر شخصی دارند؛ یعنی صورت‌هایی دارند که ذاتاً معرفه هستند. با این حال همه زبان‌ها معرفگی و نکرگی را به‌صورت صرفی یا نحوی نشان نمی‌دهند (منشی‌زاده و گوهری، ۱۳۹۰: ۱۷۱). لاینز نشان‌دادن معرفگی را نوعی ویژگی منطقه‌ای می‌داند که بیشتر در زبان‌های اروپای غربی و نواحی اطراف دریای مدیترانه دیده می‌شود (Lyons, 1999: 78).

- او زبان‌هایی را که معرفگی و نکرگی را نشاندار می‌کنند به سه دسته زیر تقسیم می‌کند:
- الف. زبان‌هایی که تنها نشانه معرفه دارند؛
- ب. زبان‌هایی که تنها نشانه نکره دارند؛
- ج. زبان‌هایی که هم نشانه معرفه و هم نشانه نکره دارند (Ibid: 49).

حال به بررسی این وضعیت در کردی کرمانشاهی می‌پردازیم. چنانکه در جملات زیر می‌بینیم، حرف تعریف «jɛz»^{۱۶} به معنای یک و تکواژ «(g) -i» دو نشانه نکره در کردی کرمانشاهی هستند، که البته /g/ معمولاً در گفتار محاوره‌ای تلفظ نمی‌شود.

- 6.a) yey ketaw sæn-em.
a book buy. PST- 1SG
«یک کتاب خریدم.»
- b) Ketaw-i (g) sæn-em.
book-INDF buy. PST- 1SG
«کتابی خریدم.»

تکواژ «(g) -i» در این زبان براساس داده‌های زیر به انتهای گروه اسمی اضافه می‌شود، نه به هسته گروه اسمی، بنابراین، این تکواژ وابسته یک «واژه‌بست^{۱۷}» است.

7. a) Ketaw-i sænem.
book- DEF buy. PST-1SG
«کتابی خریدم.»
- b) Ketaw-e xas-i sæn-em.
book-EZ good-INDF buy. PST -1SG
«کتاب خوبی خریدم.»
- c) Ketaw-e xas-e geran-i sænem.
book-EZ good-EZ expensive-INDF buy. PST-1SG
«کتاب خوب گرانی خریدم.»

در ادامه به بحث مشخص‌بودگی در این زبان می‌پردازیم و با شواهد و دلایل متعدد نشان می‌دهیم که تکواژ «-ægæ» برخلاف نظر افرادی چون مکنزی (1961)، ادموندز (1955)، بهادر (۱۳۹۰) و یار مرادی (۱۳۸۴) نشانه معرفگی نیست، بلکه نشانه ساختواژی مشخص‌بودگی است. در این راستا ابتدا در بخش ۱-۵ نشان می‌دهیم که این تکواژ اجباراً با همه گروه‌های اسمی به‌کار می‌رود که از نظر انک (1991) و کریمی (1989) معرفه هستند و سپس در بخش ۲-۵ به

وضعیت گروه‌های اسمی نکره بخشی و دارای سور عمومی در این زبان می‌پردازیم. این دو گروه اسمی چنانکه در مقدمه گفته شد از نظر انک گروه‌های اسمی نکره مشخص هستند. در این بخش نیز، داده‌هایی از کردی کرمانشاهی ارائه می‌شوند که همگی حاکی از حضور اجباری تکواژ مذکور با این گروه‌های اسمی هستند.

۱-۵. معرفی‌های مشخص

بنابر نظر انک در صورتی که ضمیر اشاره‌ای قبل از گروه اسمی بیاید، آن گروه اسمی را مشخص می‌کند (Enç, 1991: 9). در جمله 8a و 8b قبل از اسم «sif» ضمیر اشاره «ow» به مفهوم «آن» به کار رفته است. خوش‌ساختی 8a در برابر بدساختی 8b حاکی از آن است که حضور «æ» که شکلی از تکواژ «-ægæ» است، در انتهای این گروه اسمی اجباری است.

8. a) ow sif-æ xward-əm.
 that apple-æ (gæ) eat.PST-1SG
 «آن سیب را خوردم»
- b) *ow sif xward-əm.
- c) ow sif-ægæ næræs-æ.
 that apple-ægæ not ripe-is
 «آن سیب کال است.»

در این زبان تکواژ «æ» که پس از گروه اسمی می‌آید شکل مخفف تکواژ «-ægæ» است که در گفتار محاوره‌ای امروزی همخوان «g» در آن تلفظ نمی‌شود و این حذف منجر به کشش جبرانی واژه «æ» می‌شود.

کریمی گروه‌های اسمی دارای تکواژ جمع را گروه‌های اسمی مشخص تلقی می‌کند (Karimi, 1989: 69). از جمله شواهدی که وی برای مشخص‌بودگی این گروه‌های اسمی به کار می‌گیرد، حضور اجباری «را» به عنوان علامت مشخص‌بودگی بعد از این گروه‌های اسمی در جایگاه مفعول است (جمله ۹).

۹. سپیده امروز کتابا رو خرید.

اگر نظر کریمی درباره مشخص‌بودگی گروه‌های اسمی دارای علامت جمع را بپذیریم، در جمله 10a و 10b می‌بینیم که در این گروه‌های اسمی در زبان کردی کرمانشاهی تکواژ «-ægæ» به طور اجباری حضور می‌یابد. لازم به ذکر است که تکواژ «-ægan» ترکیبی از تکواژ «-

«ægæ» و علامت جمع «-an» در این زبان است.

10. a) emru Sepidæ ketaw-æg-an sænd.
today Sepide book-ægæ -PL buy.PST.3SG

« سپیده امروز کتابها را خرید.»

- b) ketaw-æg-an hanæ bane miz.
book-ægæ-PL are on table

«کتابها بالای میز هستند.»

همانطور که گفتیم، از نظر انک همه اسمی خاص مشخص هستند. چنانکه در جملات

زیر می بینیم تکواژ «-ægæ» با این اسمی نیز به کار می رود:

11. a) Hušæng-ægæ di-m.
Hushang-ægæ see.PST-1SG

«هوشنگ رو دیدم.»

- b) Hušæng-ægæt hat.
Hushang-ægæt come.PST-1SG

« هوشنگ آمد.»

گفتنی است که حضور این تکواژ بعد از اسم خاص اجباری نیست. وقتی اسم خاص در جایگاه فاعل می آید این تکواژ اصلاً حضور پیدا نمی کند، اما وقتی اسم خاص در جایگاه مفعول قرار دارد، حضورش اجباری است. در زبان ترکی و فارسی که علامت مشخص بودگی دارند هم به این شکل است که این علامت روی اسمهای خاصی که در جایگاه فاعل هستند تظاهر پیدا نمی کند (Hedberg & et al. 2009: 5). دلیل این موضوع نیازمند بررسی مستقل است که در دایرة این بحث نمی گنجد.

در تمام مواردی که گروههای اسمی معرفه از نظر انک (1991) و کریمی (1989) مشخص هستند، به استثنای اسمی خاص در جایگاه فاعل، در کردی کرمانشاهی فارغ از اینکه گروه اسمی مذکور در چه جایگاه نحوی بوده و به تبع آن چه حالتی دارد، تکواژ «-ægæ» حضور اجباری دارد.

۲-۵. نکره های مشخص

در این بخش، با ارائه داده هایی از کردی کرمانشاهی به رابطه بین گروه های اسمی بخشی و گروه های اسمی دارای سوره های عمومی، به عنوان دو گروه از گروه های اسمی نکره

مشخص، از نظر انک (1991) و کریمی (1989) و تکواژ «-ægæ» می‌پردازیم. در این زبان، چنانکه جمله ۱۳ نشان می‌دهد گروه‌های اسمی هنگامی که نکره و نامشخص هستند، به تنهایی و بدون تکواژ «-ægæ» به کار می‌روند:

13. awanæ æsranæ keik xward-en.
 they supper cake eat.PST-3PL
 «آن‌ها عصرانه کیک خوردند.»

در صورتی که همین گروه اسمی، حاوی عناصر بخشی باشد که انک (1991) آن را مشخص می‌کند، حضور تکواژ «-ægæ» الزامی است (14a) و چنانچه این تکواژ را حذف کنیم، جمله بدساخت خواهد بود و گروه اسمی نامشخص خواهد شد (14b):

14. a) æwanæ æsranæ teke-ɪ læ keIk-ægæ xward-en.
 they supper piece-INDF of cake-ægæ eat.PST-3PL
 «آن‌ها عصرانه یک تکه از کیک رو خوردند.»
 b)*æwanæ æsranæ teke-ɪ læ kelk xward-en.
 they supper piece-INDF of cake ear.PST-3P
 «آن‌ها عصرانه یک تکه کیک خوردند.»

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره کردیم، سوره‌های همگانی نیز گروه اسمی نکره را مشخص می‌کنند (Enç, 1991: 11). گروه اسمی نکره و نامشخص بدون حضور سور، در کردی کرمانشاهی بدون نشانه است (جمله ۱۵)، اما همچنان که جمله‌های 16a و 16b نشان می‌دهند، اگر همین گروه اسمی همراه سوری مثل «همه» به کار رود، حضور تکواژ «-ægæ» در گروه اسمی مذکور الزامی می‌شود:

15. ketaw xan-im.
 book read.PST-1SG
 «کتاب خواندم.»
 16. a) gešte ketaw-ægæ xwan-imæ.
 all book-ægæ read.PST-1SG
 «تمام کتاب رو خواندم.»
 b) gešte ketaw-ægæ deria-s.
 all book-ægæ torn-is
 «تمام کتاب پاره است.»

داده‌های ارائه‌شده در این بخش نشان می‌دهد که گروه‌های اسمی نکره نیز چنانچه

مشخص باشند به طور الزامی باید حاوی تکواژ «-æggæ» باشند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی نمود ساختواژی مشخص‌بودگی در گروه‌های اسمی کردی کرمانشاهی پرداختیم. برای رسیدن به این هدف، تعبیر انک و کریمی از مشخص‌بودگی را مبنا قرار دادیم و با استفاده از شواهد و داده‌هایی در این زبان ثابت کردیم که حضور تکواژ «-æggæ» نه تنها در گروه‌های اسمی معرفه مشخص، بلکه در گروه‌های اسمی نکره مشخص نیز الزامی است. بر این اساس به این نتیجه رسیدیم که برخلاف آنچه مطالعات پیشین در این حوزه نشان می‌دهند، تکواژ «-æggæ» در کردی کرمانشاهی، علامت معرفگی نیست، بلکه نشانگر مشخص‌بودن آن گروه اسمی معرفه یا نکره در جایگاه‌های مختلف نحوی در درون جمله است. در این صورت کردی کرمانشاهی را می‌توان از نظرگاه لاینز جزو زبان‌هایی تقسیم‌بندی کرد که از بین نشانه‌های نکره و معرفه فقط حاوی نشانه نکره هستند (Lyons, 1999: 49).

۷. پی‌نوشت‌ها

1. specificity
2. definiteness
3. indefiniteness
4. scope
5. Mürvet Enç
6. familiarity
7. argumentative
8. David Neil MacKenzie
9. antecedent
10. strong antecedent
11. weak antecedent
12. partitive
13. particular
14. Govier
15. Pierce

۱۶. البته معادل واژه «یک» به زبان کردی کرمانشاهی همان «یک» است که به صورت «jæk» تلفظ می‌شود، اما در صورتی‌که این کلمه قبل از اسم ظاهر شود، به شکل «jæk» تلفظ می‌شود.

17. clitic

۸. منابع

- بهادر، محمدرضا. (۱۳۹۰). *نحو زبان کردی قصری بر مبنای دستور زایشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- درزی، علی. (۱۳۸۹). *شیوه استدلال نحوی*. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۸). «معرفه و نکره در زبان فارسی». *مجله دستور*. ش ۵، صص ۸۱-۱۰۲.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنا شناسی*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- عباسی، آریتا. (۱۳۷۹). «معرفگی در زبان فارسی: پدیده‌ای پیوستاری یا دو قطبی؟». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۴۴۷-۴۶۰.
- منشی‌زاده، مجتبی و حبیب گوهری. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر پارامتر تشخیص (نا)پذیری بر روی نمود زبانی». *فصلنامه جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. د ۲، ش ۴ (پیاپی ۸). زمستان. صص ۱۶۹-۱۹۳.
- یارمرادی، داریوش. (۱۳۸۴). *توصیف ساخت نحوی کردی کلهری بر اساس نظریه اصول و پارامترها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- Edmonds, C.J. (1955). "Propositional and Personal Affixes in Southern Kurdish", In *Bulletin of the School Oriental and African Studies*. University of London. Vol. 17. No. 3. Pp. 490-502.
- Enç, M. (1991). "The Semantics of Specificity". *Linguistic Inquiry*. Pp. 22: 1-25.
- Endriss, C. (2009). *Quantificational Topics: A Scopal Treatment of Exceptional Wide Scope Phenomena*. USA: Springer. Pp. 57-86.
- Govier, T. (2009). *A Practical Study of Argument*. Belmont. CA :Wadsworth, Cengage Learning.

- Hedberg, N., N. Görgülü & M. Mamani. (2009). "On Definiteness and Specificity in Turkish and Persian". *Proceedings of the 2009 Annual Conference of the Canadian Linguistic Association*.
- Karimi, S. (1989). *Aspects of Persian Syntax, Specificity, and the Theory of Grammar*. Ph.D. Thesis, University of Washington. Pp. 53-110.
- Karimi, S. (1999). "Specificity Effect: Evidence from Persian". *Linguistic Review* 16. Pp. 125-141.
- Karimi, S. (2003). "Object Positions, Specificity and Scrambling". In Karimi, S. (ed) *Word Order and Scrambling*, Blackwell Publishing. Pp. 91-125.
- Lyons, C. (1999). *Definiteness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- MacKenzie, D. N. (1961). *Kurdish Dialect Studies-I*. London: Oxford University Press.

Translated Resources:

- Abbasi, A. (2000). "Definiteness in Persian: A Continuum or a Binary?". *Proceedings of the 4th Iranian Conference on Linguistics*. Tehran: Allame Tabatabaei University Press. Pp. 447-460 [In Persian].
- Bahador, M. (2011). *Syntax of Ghasri Kurdish on the Basis of Generative Grammar*. M.A. Thesis. Razi University of Kermanshah [In Persian].
- Darzi, A. (2010). *Syntactic Argumentation*. Tehran: SAMT Publication [In Persian].
- Edmonds, C.J. (1955). "Propositional and Personal Affixes in Southern Kurdish". In *Bulletin of the School Oriental and African Studies*. University of London. Vol. 17. No. 3. Pp. 490-502 [In Persian].
- Monshizadeh, M. & H. Gowhari (2011). "Analysis of the Influence of Identifiability Parameter on Linguistic Coding A Contrastive Study". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature*



Research). Vol. 2. No. 4. Autumn 2011. Pp. 169-193 [In Persian].

- Rasekh Mahand, M. (2009). “Definite and Indefinite in Persian Language”. *Dastour*. No. 5. Pp. 81-102 [In Persian].
- Safavi, K. (2008). *Introduction to Semantics*. Tehran: Sooreye Mehr Publication. [In Persian]
- Yarmohammadi, D. (2005). *Description of Syntactic Structure of Kalhori on the Basis of the Principles and Parameters Theory*. M.A. Thesis. Razi University of Kermanshah [In Persian].

Archive of SID